

تحول در رفاه ملی:

آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می کند؟

حسن دانایی فرد^{۱*}، جبار باباشاهی^۲، عادل آذر^۳، اسدالله کردنائیج^۴

۱. دانشیار گروه مدیریت دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری مدیریت دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. استاد گروه مدیریت دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۴. دانشیار گروه مدیریت دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۶/۲۰

دریافت: ۹۰/۱۲/۹

چکیده

تأمین رفاه و ارتقای استانداردهای زندگی شهروندان از دیرباز یکی از ارکان امنیت ملی کشورها محسوب شده است و میزان توفیق دولت‌ها در حصول به این هدف، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت آن‌ها تلقی می‌شود، به‌نحوی که تضمین بقای اعضای جامعه و تحقق زندگی خوب و سعادت‌مند از وظایف اصلی دولت‌ها به‌شمار می‌آید.

در پژوهش حاضر، علاوه بر بررسی ادبیات موجود در زمینه رفاه، ارتقای رفاه ملی از منظر بهبود استاندارد کیفیت خدمات دولتی و حکمرانی خوب بررسی شده است. روش‌شناسی پژوهش حاضر از نوع توصیفی از شاخه همبستگی و مبتنی بر مدلسازی معادلات ساختاری است؛ ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، اسناد و اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بهبود مؤلفه‌های حکمرانی خوب منجر به ارتقای رفاه ملی می‌شود، ضمن آن‌که ارتقای حکمرانی خوب زمینه ارتقای رفاه را از جهت‌های کمی نظیر تولید ناخالص داخلی، آموزش، پژوهش، بهداشت و ... از یک طرف و از جنبه‌های کیفی نظیر خوشبختی فراهم می‌کند؛ به عبارت دیگر ارتقای حکمرانی خوب پیامدهای دو منظوره‌ای نظیر بهبود شاخص‌های کمی هم‌چون تولید ملی و تقویت شاخص‌های کیفی نظیر کاهش هزینه‌های اجتماعی رشد اقتصادی، حفظ منابع برای آیندگان و تداوم رشد را به همراه دارد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی خوب، رفاه ملی، رفاه ذهنی، خوشبختی.



۱- مقدمه

یکی از دغدغه‌های مشترک اندیشمندان علوم اقتصادی، مدیریت دولتی و علوم سیاسی، بررسی تفاوت‌ها و وجوه تمایز کشورها می‌باشد [۱، ص ۱۵]. یکی از عوامل ایجادکننده تمایز در بین کشورها، وضعیت رفاه است. تأمین رفاه از دیرباز به‌عنوان یکی از ارکان امنیت ملی کشورها محسوب شده و میزان توفیق دولت‌ها برای حصول هدف مذکور، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت آن‌ها تلقی می‌شود؛ به‌نحوی که تحقق زندگی خوب جزء وظایف اصلی دولت‌ها می‌باشد [۲، ص ۱۶۷]. ضمن آن‌که با بالا رفتن استانداردهای زندگی و دسترسی به امکانات بیشتر، مفهوم رفاه اهمیت فزاینده‌ای یافته است. از این رو بسیاری از اندیشمندان علاقه‌مند به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر رفاه از زوایای مختلف می‌باشند.

تأملی بر تفاوت‌های موجود میان کشورها نشان می‌دهد که بعضی از تفاوت‌ها نظیر تفاوت در تولید ملی، آموزش، بهداشت و غیره جنبه کمی داشته و با عنوان رفاه عینی^۱ شناخته می‌شود، در عین حال بعضی تفاوت‌ها نظیر خوشبختی^۲، دلالت بر رفاه روانی تجربه شده به‌وسیله افراد دارد [۱، ص ۱۵]. لازم به ذکر است که تفاوت در سطح رفاه کشورها می‌تواند ناشی از تفاوت در سیستم‌های اداره کشورها و کیفیت متفاوت خدمات دولتی باشد. دولت به‌عنوان یک عنصر اجتماعی نهادساز در عملکرد مناسب بازارها، توزیع عادلانه درآمدها و ایجاد نهادهای کارآمد نقش مهمی ایفا می‌کند، به نحوی که زمینه‌ساز رشد اقتصادی می‌شود [۳، ص ۹۲]. انجام موفقیت‌آمیز این وظایف اغلب با عنوان حکمرانی خوب مطرح می‌شود.

با توجه به این‌که یکی از جنبه‌های مغفول پژوهش‌های حاضر در زمینه عوامل تأثیرگذار بر ارتقای رفاه ملی، کیفیت حکومت‌ها می‌باشد، از این رو در پژوهش حاضر، سعی بر جبران بی‌توجهی‌های گذشته در این حوزه می‌شود تا ارتقای رفاه از منظری متفاوت و از دیدگاهی کلان مورد توجه قرار گیرد. در ادامه پس از تبیین مفاهیم رفاه و حکمرانی خوب به تشریح نگاه نظری پژوهش و ارائه مدل مفهومی پرداخته می‌شود.

۲- بیانیه مسأله

در سالیان گذشته سطح رفاه در جامعه تنزل پیدا کرده و فقر به صورت نسبتاً گسترده‌ای

افزایش یافته است که نشانه‌ای از کاهش آن به چشم نمی‌خورد. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که حدود بیست درصد از خانواده‌های ایرانی زیر خط فقر هستند که این نسبت به نوعی در کشورهای پیشرفته کمتر از ده درصد می‌باشد [۴]. همچنین نتیجه پژوهشی دیگر مؤید آن است که سیاست‌های اعمال شده برای کاهش نابرابری درآمدی در ایران در سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۵ بسیار محدود و غیرمؤثر بوده و نابرابری درآمدی در مناطق شهری و روستایی ایران مشهود می‌باشد [۵، ص ۳۳].

یکی از دلایل کاهش رفاه و گسترش فقر، گسترش اجرای سیاست‌های اقتصادی واگذاری امور به بخش خصوصی و کاهش نقش دولت‌ها می‌باشد. بدیهی است که افزایش رفاه جامعه و کاهش فقر، مستلزم توجه دولتمردان و تلاش مسئولان آن‌ها در این راستا است. البته باید متذکر شد که افزایش سطح رفاه ملی هم از بعد کمی و هم بعد کیفی به‌عنوان یک دغدغه مدنظر قرار بگیرد و دولت‌ها حداکثر تلاش خود را انجام دهند که شرایط مناسب برای زندگی همه شهروندان را فراهم آورند.

۳- مبانی نظری پژوهش

توجه به مفهوم رفاه و مفاهیم مرتبط با آن نظیر کیفیت زندگی و خوشبختی، اولین بار در آمریکا و سپس در اروپا مورد توجه قرار گرفت. مفهوم رفاه از دو جنبه کمی و عینی از یک طرف و ذهنی و کیفی از سوی دیگر بررسی شد. اندیشمندان در آمریکا بیش‌تر بر شاخص‌های کیفی مانند هزینه‌های اجتماعی رشد اقتصادی، از دست‌دادن منابع برای آینده و تزلزل در رشد متمرکز شدند، اما اروپاییان بر شاخص‌های کمی نظیر تولید ملی توجه کردند [۶، ص ۱۷۰].

نکته مهم این است که تفاوت در زاویه دید اندیشمندان، نشأت گرفته از جهت‌گیری‌های دوگانه در مفهوم سودمندی^۳ می‌باشد. سودمندی پیامد^۴ اغلب از طریق سنج‌های مالی سنجش شده و به وسیله کالاها و خدمات مفید ایجاد می‌شود. همچنین سودمندی رویه‌ای^۵ با عنوان رفاه کسب شده از زندگی تعریف می‌شود و در ایجاد حس مثبت نسبت به خود و توجه به نیازهای ذاتی برای استقلال، وابستگی و شایستگی نقش دارد [۷، ص ۳۵۳].

ریشه اصلی مفهوم رفاه از خوب بودن^۶، نشأت گرفته است؛ به این معنا که افراد یا موجودیت‌ها، هم از لحاظ درونی (تأمین نیازها) و هم در عرصه بیرونی (رقابت) عملکرد

خوبی داشته باشند [۸، ص ۵]. از لحاظ درونی، افراد باید رفاه را به صورت ذهنی درک کنند، در عرصه بیرونی نیز باید شرایط عینی زندگی نظیر ثروت، بهداشت و ... را که زمینه‌ساز رفاه هستند، بهبود پیدا کند [۶، ص ۱۷۲]. اندیشمندان رفاه ذهنی را با عنوان رفاه روان‌شناختی^۷ و رفاه عینی را با عنوان رفاه مادی^۸ می‌شناسند [۱، ص ۳].

در نگرش‌های نوین به مفهوم رفاه، باید معیارهای عینی و ذهنی را به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار داد. چرا که رفاه عینی برای افراد فرصت‌هایی را فراهم می‌کند و پتانسیل‌های به‌طور ذاتی منفی محیط را به حداقل می‌رساند و رفاه ذهنی، زمینه‌ساز احساس خوب و لذت بخش افراد شده و زمینه را برای تلاش بیشتر فراهم می‌کند [۱، ص ۳].

در راستای سنجش مفهوم رفاه ملی سه رویکرد وجود دارد: رویکردهای عینی، رویکردهای ذهنی و رویکردهای ترکیبی که دسته سوم از جامعیت بیش‌تری برخوردارند. از بین مهم‌ترین رویکردهای عینی می‌توان به شاخص توسعه انسانی^۹ (HDI)، شاخص رفاه انسانی^{۱۰} (HWI) و شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی^{۱۱} (WISP) اشاره کرد. در بین رویکردهای ذهنی نیز می‌توان "رضایت کلی از زندگی"^{۱۲} (OLS)، شاخص رفاه شخصی^{۱۳} (PWI) و مقیاس توازن اثر^{۱۴} (ABS) را نام برد [۶، ص ۱۷۷].

در راستای تکمیل شاخص‌های عینی و ذهنی، یکی از اندیشمندان (D'Acci, 2010)، نسبت به ارائه «شاخص رفاه و پیشرفت»^{۱۵} (که دارای صبغه‌ای ترکیبی است) مبادرت ورزیده است. این شاخص ایده متعادلی از رفاه را مورد توجه قرار می‌دهد و به صورت هم‌زمان بر رفاه عینی و ذهنی تأکید می‌کند [۱، ص ۱۰]. لازم به ذکر است که به علت جامعیت در پژوهش حاضر از این رویکرد بهره گرفته شده است.

«شاخص رفاه و پیشرفت» در برگیرنده پنج بعد می‌باشد که این ابعاد در مجموع دارای ده شاخص می‌باشند. «شاخص رفاه و پیشرفت» معیارهای رفاه بهداشتی^{۱۶}، رفاه اقتصادی، خوشبختی، پیشرفت انسانی^{۱۷} و پیشرفت فرهنگی را ترکیب می‌نماید. رفاه بهداشتی به وسیله امید به زندگی^{۱۸} نشان داده می‌شود؛ رفاه اقتصادی با استفاده از سرانه تولید ناخالص داخلی^{۱۹}، ضریب جینی و بیکاری کل^{۲۰} (به‌عنوان درصدی از نیروی کار) محاسبه می‌شود؛ خوشبختی به وسیله رفاه ذهنی نشان داده می‌شود. پیشرفت علمی- فرهنگی از طریق «شاخص آموزش» و «تعداد پژوهشگران در تحقیق و توسعه»^{۲۱} (در هر میلیون نفر) نشان

داده شده است؛ پیشرفت انسانی ترکیبی از «آزادی»، «تساوی زنان»^{۲۲} و «میزان قتل‌های عمدی» (در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر) می‌باشد.

باید اشاره کرد که شاخص آزادی^{۲۳} ترکیبی از حقوق سیاسی^{۲۴} (فرایند انتخابات، مشارکت و کثرت‌گرایی سیاسی^{۲۵} و کارکرد حکومت) و آزادی‌های مدنی^{۲۶} (آزادی بیان و اعتقادات^{۲۷}، حقوق سازمانی و انجمنی^{۲۸}، حاکمیت قانونی، استقلال شخصی^{۲۹} و حقوق فردی^{۳۰}) می‌باشد. شاخص تساوی زنان ترکیبی از شاخص‌های «کرسی‌های زنان در پارلمان»^{۳۱}، «نسبت برابری درآمد کسب شده مردان نسبت به زنان»^{۳۲} و «نسبت ترکیبی ثبت نام کل زنان برای آموزش ابتدایی، راهنمایی و دانشگاهی»^{۳۳} می‌باشد [ص ۱۳].

شاخص پیشرفت و رفاه، ارزش متوسط این ده شاخص است که در پژوهش حاضر بعد از انجام تحلیل عاملی و با حذف دو عامل از مجموع ده عامل، این شاخص محاسبه شده است.

۴- حکمرانی خوب

حکمرانی خوب، مفهومی است که نشان از تغییر پارادایم نقش دولت‌ها و حکومت‌ها می‌باشد. این مفهوم با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده است که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود. حکمرانی خوب، یعنی شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت و ارتقای تساوی افراد در برابر قانون. وجود چنین شرایطی باعث می‌شود که صدای عامه مردم، زمانی که تصمیم‌های اخذ و منابع تخصیص می‌یابند، به گوش برسد. در الگوی حکمرانی خوب، ضمن پذیرش دخالت منطقی دولت بر نقش تسهیل‌گری دولت و نقش مدیران دولتی در فراهم آوردن و ارائه خدمات با کیفیت بالا که شهروندان و گروه‌های مختلف از آن بهره‌مند شوند، تأکید می‌شود. این الگو به دنبال نقش حداقلی دولت و توانمندسازی نهادهای مدنی و بخش خصوصی می‌باشد [صص ۹۵-۱۰۰].

واکاوی مفهوم حکمرانی نشان از گستردگی مفهومی آن می‌باشد، به نحوی که همه نوع شکل‌های حکمرانی (نظیر حکمرانی شرکتی، ملی، بین‌المللی و محلی) را که الزاماً نیازمند حکومت رسمی نمی‌باشد، شامل می‌شود.

در پژوهش حاضر، حکمرانی خوب از منظر ملی مدنظر می‌باشد که با عنوان «قابلیت

نهادی سازمان‌های دولتی برای ارائه کالاهای مورد تقاضای عمومی، به کمک شهروندان کشور یا نمایندگان آن‌ها به صورت کارا، شفاف، منصفانه و همراه با پاسخ‌گویی با توجه به منابع محدود» تعریف شده است [۱۰]؛ به عبارت دیگر، حکمرانی خوب، ارتقای سطح استاندارد خدمات ارائه شده به وسیله دولت‌ها است.

در زمینه حکمرانی خوب، نهادهای مختلفی نظیر سازمان ملل متحد، کمیسیون اقتصادی اتحادیه اروپا و بانک جهانی به ارائه شاخص پرداخته‌اند. با توجه مقبولیت و جامعیت مطالعات بانک جهانی، ملاک عمل محاسبه و آزمون‌های آماری در پژوهش حاضر، شاخص‌های بانک جهانی می‌باشد. بانک جهانی به رهبری دکتر کافمن، حکمرانی خوب را براساس شش شاخص تعریف می‌کند و براساس این شاخص‌ها وضعیت حکمرانی خوب را هر دو سال یک‌بار در دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۶ و به صورت سالیانه از سال ۲۰۰۲ به بعد در ۲۱۲ کشور مورد ارزیابی قرار داده است. شاخص‌های حکمرانی خوب عبارتند از:

- حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی^{۳۴}: به این مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر اقداماتی که بر مردم تأثیر می‌گذارد، مورد سؤال و بازخواست قرار دهند.
- ثبات سیاسی و عدم خشونت^{۳۵}: این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ‌ومیر یا تغییر رهبران و دولت مردان فعلی می‌پردازد.
- کارایی و اثربخشی دولت^{۳۶}: کارآمدی دولت در انجام وظایف محول شده که شامل مقوله‌هایی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می‌باشد.
- کیفیت مقررات^{۳۷}: که ناظر بر مناسب بودن، تأثیرگذاری مثبت و تسهیل‌گری قوانین و مقررات در عرصه خدمات دولتی و عملکرد اقتصادی می‌باشد.
- حاکمیت قانون^{۳۸}: میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده‌اند.
- کنترل فساد^{۳۹}: جلوگیری برای استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی. در مفهوم‌پردازی بانک جهانی از حکمرانی خوب، هر اندازه ویژگی‌های مثبتی نظیر حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیش‌تر و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی کم‌تر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسب‌تر است [۱۱، ص ۶].

۵- خردمایه نظری پژوهش

به‌طور کلی نظریه‌های مختلف اقتصادی در راستای اولویت‌بندی بازیگران تأمین‌کننده رفاه، سه دیدگاه را مطرح می‌کنند: نخست تئوری‌های اقتصادی دولت‌محور که ریشه در مکتب سوسیالیستی و اصول جمع‌گرایانه دارد. در این تئوری‌ها، نقش رفاهی دولت تأمین‌کننده حداقل رفاه، در عین حال تحقق عدالت اجتماعی است. دوم، تئوری‌های اقتصادی بازار محور، ریشه در مکتب کاپیتالیستی و اصول فردگرایانه داشته و نقش رفاهی دولت تأمین‌کننده جامع رفاه، ضمن افزایش کارایی و ثروت فردی و اجتماعی می‌باشد. با توجه به دستاوردهای متعدد و شکست‌های بسیار این دو جریان، سومین جریان نیز پدید آمد که بر تحقق عدالت اجتماعی ضمن افزایش ثروت اجتماعی و رفاه فردی تأکید داشته و با عنوان رویکرد ترکیبی شناخته می‌شود [۱۲]. در رویکرد ترکیبی به نقش هم‌زمان دولت و بازار تأکید می‌شود. براینده تحولات نظری جدید با عنوان «تئوری ترکیبی دولت موافق بازار» شناخته می‌شود.

با توجه به هم‌راستایی رویکرد ترکیبی با نگاه خدمات دولتی نوین^{۴۰} که بر نقش دموکراتیک دولت و عدالت‌گستری آن، ضمن تأکید بر توانمندسازی شهروندان تأکید می‌کند و دولت را به منزله هدایت‌گر و سکان‌دار جامعه تلقی می‌نماید.

پژوهش حاضر هم این نوع نگاه را پذیرفته است و دولت را به‌عنوان بازیگر اصلی در عرصه جامعه می‌نگرد. از این رو بر ارائه خدمات دولتی کارآمد و اثربخش به‌وسیله دولت‌ها به‌منظور دستیابی به رفاه تأکید می‌نماید.

درواقع محرک اصلی تحقق رفاه، بخش دولتی و خود دولت‌ها هستند که باید به کیفیت خدمات ارائه شده به‌وسیله آن‌ها و وضعیت شاخص‌های مختلف دولت‌ها توجه نمود. دولت‌ها از راه فراهم کردن شرایطی نظیر ایمنی، مراقبت‌های بهداشتی و حداقل سطح عدالت و مساوات اجتماعی می‌توانند به خوشبختی شهروندان کمک کنند. دولت‌ها از طریق تأمین دفاع ملی و حفظ قانون و نظم، هم‌چنین با اقدام کردن در زمانی که ابتکار عمل خصوصی وجود ندارد، بهبود رقابت و ارتباط با عوامل بیرونی در تأمین رفاه مشارکت می‌کنند. افزون بر آن، دولت‌ها به‌طور مستقیم از طریق وضع مقررات رفاهی گوناگون در حوزه خدمات رفاهی، پرداخت‌های انتقالی تأمین اجتماعی، یارانه‌ها و تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی در تأمین رفاه مشارکت دارند [۷، ص ۳۵۳]. تحقق برخی از ابعاد ظرفیت حاکمیت در حوزه مدیریت دولتی مانند ظرفیت اجرای خط‌مشی‌ها، توان جمع‌آوری مالیات‌ها، توان ساختار بوروکراتیک در

اجرای فرایندهای اداری، ایجاد نظام سیاسی قانون‌مند، پیشگیری از فساد مدیران بخش دولتی و حاکمیت و احترام به قانون باعث تقویت بخش دولتی و در نتیجه تأثیرگذاری مثبت بر شهروندان می‌شود [۱۳]. با توجه به تبیین‌های ذکر شده می‌توان بیان کرد که بهبود مؤلفه‌های حکمرانی خوب به ارتقای رفاه ملی منجر می‌شود. در ادامه به تشریح نقش ابعاد مختلف حکمرانی خوب در ارتقای رفاه ملی پرداخته خواهد شد.

حق اظهار نظر و پاسخگویی: نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد افراد تمایل دارند که به صورت ارادی رفتار کنند و حق تعیین سرنوشت^{۴۱} برای همه افراد فارغ از رفاه مادی آنان حایز اهمیت است؛ به عبارت دیگر رفاه بلندمدت افراد به این بستگی دارد که آن‌ها قادر به انتخاب و پیگیری اهداف خود باشند؛ یعنی اینکه علاوه بر دارا بودن ابزار مناسب (درآمد)، فرصت (حق تعیین سرنوشت) دنبال‌کردن اهداف را داشته باشند، چرا که افراد در رابطه با فرصت‌هایی که پیش روی آن‌ها است با محدودیت مواجه نمی‌شوند و می‌توانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند. آزادی بیان زمینه‌ساز مشارکت افراد می‌شود و این مشارکت عاملی برای رهبری و همچنین مشروعیت‌بخشیدن به سازمان‌ها و نهادها، رضایت بیشتر افراد و بهبود کیفیت زندگی می‌باشد [۱۴، ص ۲۵۵].

ثبات سیاسی و عدم خشونت: وجود مخاطرات بالای سیاسی در یک کشور و در نتیجه ایجاد عدم اطمینان، منجر به ایجاد هزینه‌های معاملاتی و تضعیف مکانی کشور می‌شود، در واقع کاهش مخاطرات سیاسی، موجب افزایش قابلیت یک کشور در جذب سرمایه‌گذاری می‌شود [۱۵، ص ۸۵] که همین امر زمینه را برای بهبود ثروت کشور و وضع اقتصادی شهروندان فراهم می‌کند. از منظری دیگر عدم ثبات سیاسی باعث شکل‌گیری سازمان‌های دولتی مضطرب می‌شود؛ برنامه‌های سازمان‌هایی که به‌طور دائم در حال تعمیر و بازسازی‌اند، ناتمام می‌ماند، کارایی و اثربخشی آنان به‌شدت افت می‌کند که پیامد این وضعیت به ضرر شهروندان است [۱۶، ص ۱۵۰].

کارایی و اثربخشی دولت: به این معنا فعالیت‌های دولت نتایجی را به‌بار بیاورد که نیازهای جامعه را برآورده سازد و دولت از منابع محدود تحت اختیار خود، بیش‌ترین استفاده را ببرد. کارایی و اثربخشی دولت می‌تواند به کاهش هزینه‌های اداره امور عمومی و کیفیت بالاتر خدمات دولتی، بهبود کسب‌وکار و آزادی اقتصادی و در نتیجه رفاه بیشتر منجر شود [۱۷]. در واقع عملکرد نامناسب دولت‌ها، حجم کاری زیاد و توان ناکافی دولت‌ها برای

خدمت‌رسانی زمینه سلب اعتماد شهروندان و در نتیجه افزایش دغدغه‌های ذهنی آنان را فراهم می‌آورد [۱۸، ص ۷۴].

کیفیت مقررات: مناسب بودن و اثربخشی قوانین در حوزه مدیریت دولتی زمان تحقق می‌یابد که قوانین و مقررات متأثر از عقلانیت باشند؛ یعنی این‌که یک قانون اخلاق محور، مبتنی بر مبانی علمی، مورد قبول اکثریت و متکی بر قانون اساسی کشور باشد [۱۶، ص ۳۸-۴۱] تا سودمندی رویه و سودمندی پیامد را توأمان مدنظر قرار دهد و علاوه بر سهولت درک به وسیله شهروندان امکان کاربرد توسط دولتمردان را داشته باشد.

حاکمیت قانون: به این معنی که افراد در برابر قانون یکسان بوده و یک نظام قانونی عادلانه و منصفانه در کشور حاکم باشد و حقوق اکثریت و اقلیت را توأمان مورد توجه قرار دهد [۱۹]. وین هوون (۲۰۰۴) معتقد است که حاکمیت قوانین و حقوق مدنی به نحو مثبتی با سطح خوشبختی جامعه رابطه دارد. البته حاکمیت قانون زمانی که به ایجاد ضمانت‌ها و شکل‌گیری هنجارها منجر شود، برای افراد احساس امنیت را پدید می‌آورد که همین وضعیت باعث می‌شود آن‌ها احساس خوشبختی و رضایت از زندگی کنند [۲۰، ص ۱۱].

کنترل فساد: فساد به معنای سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره دارد. فساد می‌تواند منجر به تحمیل هزینه‌های نا عادلانه به کسب‌وکارهای کوچک، تخریب پایه‌های اقتصادی و دور شدن از فعالیت‌های مولد و کارا شود و رفاه کلی عامه مردم را تقلیل دهد. از طرف دیگر مبارزه با فساد منجر به بهبود شاخص‌های بنیادی اجتماعی - اقتصادی نظیر سرمایه‌گذاری خارجی بیش‌تر، رشد درآمد بالاتر، مرگ‌ومیر کم‌تر کودکان، سواد بالاتر، حقوق مالکیت قوی‌تر و افزایش رشد کسب و کار می‌شود و زمینه را بهبود کیفیت زندگی کشورهای مختلف فراهم می‌آورد [۱۶، ص ۱۱۱].

۶- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ مبانی فلسفی پژوهش در گروه پارادایم اثبات‌گرا قرار می‌گیرد. از حیث جهت‌گیری پژوهش، یک پژوهش کاربردی است. شیوه انجام پژوهش کمی بوده و از حیث مکانی، جزء مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. از لحاظ استراتژی‌های پژوهش، پژوهش حاضر از استراتژی همبستگی استفاده می‌کند، ابزار گردآوری اطلاعات، مرور و بازبینی اسناد، مدارک و اطلاعات می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش شامل تمام کشورهای جهان بوده است. با توجه به دشواری

دسترسی به اطلاعات، از روش نمونه‌گیری غربالی براساس معیار^{۴۲} استفاده شده است. بر این اساس که نخست اعضای جامعه به‌عنوان نمونه انتخاب شده و سپس با توجه به یک مجموعه از معیارها غربال شده تا حجم نمونه به‌دست آید. بنا بر معیار دسترسی به اطلاعات متغیرهای پژوهش، تعداد نمونه ۱۶۰ کشور بوده است که اطلاعات مربوطه در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ گردآوری شده است.

در پژوهش حاضر منظور از داده‌ها، داده‌های کلانی است که وضعیت کشورها را در ابعاد ملی و بین‌المللی نشان می‌دهند. همچنین در این پژوهش از مراجع اطلاعاتی بین‌المللی نظیر بانک جهانی، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، یونسکو، پایگاه داده جهانی خوشبختی، مرکز آمار اروپا و نیز مراجع داخلی نظیر مرکز آمار ایران و بانک مرکزی استفاده شده است.

به‌منظور سنجش حکمرانی خوب از شاخص‌های بانک جهانی استفاده شد. برای سنجش رفاه نیز از شاخص رفاه و پیشرفت استفاده شد که دارای ده مؤلفه (تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، اشتغال، رفاه ذهنی، امید به زندگی، آموزش، تعداد پژوهشگران، آزادی، برابری زنان و میزان قتل‌های عمدی) می‌باشد. در شاخص رفاه و پیشرفت به‌منظور همسان‌سازی مؤلفه‌ها، فرایند نرمال‌سازی داده‌ها صورت پذیرفت. به‌منظور سنجش این‌که آیا این شاخص‌ها متغیر مورد نظر را می‌سنجند، از آزمون تحلیل عاملی استفاده شد. در مورد متغیر حکمرانی خوب، شش مؤلفه تأیید شدند، اما در مورد متغیر رفاه، دو مؤلفه اشتغال و میزان قتل‌های عمدی از تحلیل خارج و سایر مؤلفه‌ها مورد تأیید قرار گرفتند. در مرحله بعدی، آزمون پایایی شاخص‌ها انجام شد. برای این منظور از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفا برای متغیر حکمرانی خوب ۰/۹۶۸ و برای متغیر رفاه ۰/۸۶۸ می‌باشد که مقدار مطلوبی را نشان می‌دهند.

۷- روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه‌ها، نخست از آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن با استفاده از نرم‌افزار SPSS۱۵ برای سنجش همبستگی بین حکمرانی خوب و رفاه ملی استفاده شد. سپس رابطه علی بین متغیرهای پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و با کمک نرم‌افزار Lisrel/۵۴ آزمون شد. نتایج آزمون همبستگی در جدول یک منعکس شده است. این ضرایب نشان‌دهنده معناداری همبستگی میان متغیر مستقل، متغیر وابسته و ابعاد آن‌ها با

یکدیگر با فاصله اطمینان ۹۹ درصد است.

جدول ۱ ضرایب همبستگی اسپیرمن میان متغیرهای پژوهش

رفاه	کنترل فساد	حاکمیت قانون	کیفیت قوانین	اثر بخشی دولت	ثبات سیاسی	پاسخگویی	حکمرانی خوب	ضریب جینی	خوشبختی	تولید ناخالص داخلی	آزادی	برابری جنسیتی	آموزش	پژوهش	بهداشت
۱/۰۰۰	۰/۷۸۵	۰/۷۸۶	۰/۸۲۵	۰/۸۴۹	۰/۶۹۸	۰/۷۴۸	۰/۸۴۲	۰/۶۴۶	۰/۷۲۲	۰/۹۱۱	۰/۷۱۰	۰/۸۶۹	۰/۹۰۷	۰/۸۰۴	۰/۸۷۰
	۱/۰۰۰	۰/۹۴۰	۰/۸۵۵	۰/۹۲۵	۰/۷۷۲	۰/۷۵۳	۰/۹۵۴	۰/۲۸۴	۰/۵۶۹	۰/۷۵۵	۰/۶۹۵	۰/۶۶۹	۰/۶۵۱	۰/۶۰۶	۰/۷۱۵
		۱/۰۰۰	۰/۹۰۵	۰/۹۴۳	۰/۷۸۲	۰/۷۵۱	۰/۹۶۹	۰/۳۶۴	۰/۵۴۸	۰/۷۵۸	۰/۶۹۸	۰/۶۸۶	۰/۶۵۶	۰/۶۲۸	۰/۷۲۱
			۱/۰۰۰	۰/۹۲۴	۰/۶۶۷	۰/۷۸۰	۰/۹۳۲	۰/۳۱۰	۰/۵۹۸	۰/۷۷۸	۰/۷۲۵	۰/۶۹۴	۰/۷۰۷	۰/۶۴۵	۰/۷۳۱
				۱/۰۰۰	۰/۷۱۲	۰/۷۵۶	۰/۹۶۱	۰/۳۴۳	۰/۶۳۰	۰/۸۱۸	۰/۶۹۶	۰/۷۴۳	۰/۷۳۳	۰/۶۷۵	۰/۷۷۲
					۱/۰۰۰	۰/۶۲۹	۰/۸۱۴	۰/۳۵۱	۰/۴۷۲	۰/۶۶۸	۰/۶۰۵	۰/۶۱۳	۰/۵۹۱	۰/۵۵۹	۰/۵۶۵
						۱/۰۰۰	۰/۸۲۰	۰/۲۶۲	۰/۵۲۴	۰/۵۸۳	۰/۹۷۲	۰/۷۵۱	۰/۶۴۰	۰/۵۳۸	۰/۵۸۳
							۱/۰۰۰	۰/۳۲۱	۰/۵۹۶	۰/۷۸۵	۰/۷۸۸	۰/۷۱۰	۰/۷۰۹	۰/۶۳۸	۰/۷۳۶
								۱/۰۰۰	۰/۱۴۴	۰/۳۷۵	۰/۳۶۲	۰/۵۰۵	۰/۴۷۵	۰/۴۶۶	۰/۴۰۱
									۱/۰۰۰	۰/۷۴۲	۰/۵۰۶	۰/۵۷۲	۰/۶۱۱	۰/۵۰۸	۰/۷۴۹
										۱/۰۰۰	۰/۵۲۴	۰/۷۹۱	۰/۸۲۷	۰/۷۴۸	۰/۸۵۲
											۱/۰۰۰	۰/۵۲۸	۰/۶۱۱	۰/۴۹۴	۰/۵۳۵
												۱/۰۰۰	۰/۸۴۰	۰/۷۵۲	۰/۸۱۴
													۱/۰۰۰	۰/۷۸۶	۰/۷۸۲
														۱/۰۰۰	۰/۶۸۸
															۱/۰۰۰

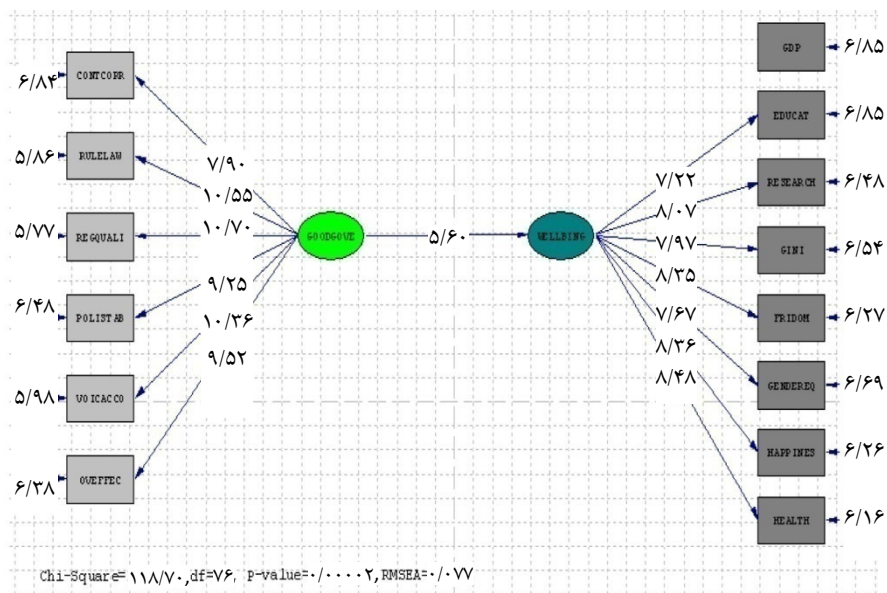
رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار است.**

رابطه معنادار نیست (بدون ستاره)

۸- مدلسازی معادلات ساختاری

برای سنجش رابطه علی از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده می‌شود. لازم به ذکر است برای اینکه مدل ساختاری یا همان نمودار مسیر، تأیید شود، نخست باید شاخص‌های آن برازش مناسبی داشته باشند. دوم باید مقادیر t -value و ضرایب استاندارد باشند. اگر مقدار χ^2 کم، نسبت χ^2 به درجه آزادی (df) کوچکتر از ۳ و نیز GFI و AGFI

بزرگتر از ۹۰ درصد باشند، می‌توان نتیجه گرفت که مدل، برازش بسیار مناسبی دارد. مقادیر t نیز اگر از ۲ بزرگتر یا از ۲- کوچکتر باشند، در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار خواهند بود. همان طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، اعتبار و برازندگی مناسب مدل‌ها تأیید می‌شود. در نمودار ۱، حکمرانی خوب با G و رفاه با W نشان داده شده‌اند.



نمودار ۱ مدل‌سازی معادلات ساختاری (معناداری)

همان طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، اثر حکمرانی خوب بر رفاه ملی معنادار است و تأیید می‌شود. مقادیر t همه بالاتر از ۲ بوده و معنی‌دار است. مقادیر t نشان می‌دهد که فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

۹- نتیجه‌گیری

این پژوهش بر ایده ارتقای رفاه ملی از دیدگاه کلان و با تمرکز بر حکمرانی خوب استوار بود. فرضیه اصلی پژوهش عبارت بود از این‌که حکمرانی خوب باعث ارتقای رفاه ملی می‌شود. یافته‌های پژوهش، این فرضیه را تأیید می‌کند. لازم به ذکر است که شیوه

تأثیرگذاری حکمرانی خوب بر رفاه دو گونه است. تأثیرگذاری مستقیم - به‌طور مثال مشارکت شهروندان در انتخابات - باعث خوشنودی آن‌ها می‌شود و تأثیرگذاری غیرمستقیم، که حکمرانی خوب با ایجاد شرایطی نظیر رونق مادی، آموزش خوب و ایمنی به خوشبختی و رفاه شهروندان کمک می‌کند [۷، ص ۳۶۵]. هم‌راستا با یافته‌های پژوهش حاضر، هلیول و هوانگ (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ای قوی بین حکمرانی خوب و رضایت از زندگی در کشورها وجود دارد. آن‌ها دریافتند که کیفیت فنی حکمرانی بیش از کیفیت دموکراتیک با خوشبختی ارتباط دارد و هر دو نوع کیفیت نیز با خوشبختی رابطه دارند. ضمن آن‌که قبل از دارا بودن کیفیت دموکراتیک، حکومت‌ها باید حداقل کیفیت فنی حکمرانی را برآورده سازند [۲۱]. در جمع‌بندی یافته‌های بالا می‌توان گفت که مشارکت و حمایت از حق تعیین سرنوشت، بهبود وضعیت بهداشت و آموزش، کاهش نابرابری‌های درآمدی و پیشگیری از فساد مؤلفه‌های کمی و کیفی رفاه را ارتقا بخشیده و رضایت شهروندان را فراهم می‌کنند. در زمینه تأثیرگذاری ابعاد حکمرانی خوب بر رفاه، ذکر یافته‌های زیر مفید می‌باشد.

حق تعیین سرنوشت برای همه افراد فارغ از رفاه مادی آنان حایز اهمیت است و تمایل افراد بر این است که به‌طور ارادی رفتار کنند. در واقع زمانی که افراد احساس کنند توانایی تأثیرگذاری بر سرنوشت خود را دارند، احساس خوشبختی می‌کنند. نفی فرصت برای مشارکت در تصمیم‌گیری و امور عمومی و تحمیل محدودیت‌هایی بر چگونگی هدایت زندگی به‌وسیله افراد، نشان‌دهنده نفی سرکوبگرانه آزادی می‌باشد که بر رفاه افراد تأثیر منفی می‌گذارد [۲۲]. اعطای فرصت مشارکت منجر به شکل‌گیری جامعه خوب^{۴۳} می‌شود چرا که باعث بهبود کیفیت زندگی، ثروت، بهداشت و آموزش می‌شود و در آن جامعه، شهروندان در تشکیلات داوطلبانه به‌منظور تسریع فرایندهای دموکراتیک مشارکت می‌کنند، آن‌ها از زندگی خود و زندگی عمومی راضی هستند، چرا که به نهادهای عمومی ایمان داشته و نیازهای احترام و خودشکوفایی آنان برآورده شده است [۱۴، ص ۲۵۵]. در واقع مشارکت در جامعه مدنی از طریق ایجاد و تقویت زیرساخت‌های مادی زمینه را برای رفاه روانی و جلب اعتماد افراد فراهم می‌کند.

یکی دیگر از پیامدهای مشارکت در جامعه مدنی، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، گسترش تعاملات، تقویت انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی می‌باشد که منجر به کاهش بی‌نظمی و



بی‌هنجاری می‌شود.

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین وجود نهادهای دموکراتیک و ثبات سیاسی در یک کشور و رفاه ذهنی افراد آن کشور رابطه وجود دارد. به‌طور مشابه، حکومت‌های دموکراتیک و شایسته می‌توانند از طریق حفظ شرایط باثبات و قابل پیش‌بینی که افراد را قادر به تصمیم‌گیری مناسب برای زندگی خود می‌نماید، زمینه‌ساز بهره‌مندی افراد از فرصت‌ها را فراهم آورند [۷، ص ۳۶۵]. از دیگر پیامدهای ثبات، احساس امنیت می‌باشد که زمینه را برای احساس رضایت افراد فراهم می‌کند [۲۰، ص ۱۱].

اندیشمندان بر این باورند که خدمات دولتی مؤثر و مسئولانه به‌عنوان پیش‌شرط توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها تلقی می‌شود. می‌توان انتظار داشت که خوشبختی جامعه از طریق کاربرد خط‌مشی‌های مناسب نظیر خط‌مشی‌های ارتقای بهداشت عمومی بهبود پیدا کند. دولت‌ها نیز می‌توانند با افزایش کیفیت خدمات، پاسخ‌گویی به انتظارات، بهبود عملکرد نظام خدمات عمومی و حل مشکلات مردم زمینه را برای ارتقای سرمایه‌های اجتماعی، جلب اعتماد عمومی و در نتیجه افزایش رفاه ذهنی فراهم کنند.

وجود برخی روابط غیراقتصادی از جمله قوانین و مقررات بی‌ثبات و غیرقابل اعتماد موجب خطرپذیری بالای سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش بازده سرمایه‌گذاری و بالطبع کاهش تولید و ثروت ملی و توسعه انسانی می‌شود [۲۳، ص ۶۹]. قوانین و مقررات بی‌ثبات، توان برنامه‌ریزی مردم را کاهش داده، آرامش روانی آن‌ها را به مخاطره انداخته و باعث ایجاد بی‌اعتماد در در نتیجه تنزل سطح رفاه ذهنی آن‌ها می‌شود.

فقدان پاسخ‌گویی در بین مسئولان، یکی از دلایل وقوع فساد می‌باشد [۲۴]. وجود پاسخ‌گویی باعث تحقق کارکردهایی نظیر کنترل دموکراتیک، بهبود خدمات دولتی، افزایش مشروعیت، ارتقای مشارکت عمومی و خاتمه بحران‌ها می‌شود [۲۵، ص ۲۵۵] که در نهایت منجر به جلب اعتماد شهروندان، مسئولیت‌پذیری بیشتر آنان و احساس رضایت بیشتر می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و نتایج مطالعات پیشین، اقدامات زیر به‌منظور تحقق شرایط لازم برای ارتقای رفاه ملی توصیه می‌شود:

- ایجاد یک نظام حقوقی سالم در پرتو حاکمیت قانون؛
- ایجاد نظام اداری سالم در پرتو کاهش میزان فساد ملی در تمام سطوح؛
- تلاش همه‌جانبه در راستای مبارزه با فساد؛
- ایجاد شفافیت در فرایند قانون‌گذاری و عملکرد نهادهای اجرایی؛

- توجه به کارآمدی دولت در حوزه‌های مختلف؛
- زمینه‌سازی برای تحقق مشارکت مردم در اداره امور عمومی.
در انتها یادآوری می‌شود که لازم است تحقیقات بیش‌تری در مورد بررسی رابطه بین مؤلفه‌های حکمرانی خوب با ابعاد رفاه ملی صورت پذیرد.

۱۰- پی‌نوشت‌ها

1. Objective well-being
2. Happiness
3. Utility
4. Outcome Utility
5. Procedural Utility
6. Being Well
7. Psychological Well-Being
8. Material Well-Being
9. Human Development Index
10. Human Wellbeing Index
11. Weighted Index of Social Progress
12. Overall Satisfaction of Life
13. Personal Wellbeing Index
14. Affect Balance Scale
15. Well-Being & Progress Index
16. Health Well-Being
17. Human Progress
18. Life expectancy at birth
19. GDP per capita
20. Total Unemployment
21. Number of Researcher in research and development
22. Gender equality
23. Freedom Index
24. Political Rights
25. Political Pluralism and Participation
26. Civil Liberties
27. Freedom of Expression and Beliefs
28. Associational and organizational Rights
29. Personal Autonomy
30. Individual Rights
31. Seats in parliaments held by women
32. Ratios of estimated female to male earned income



33. Combined gross enrolment ratio for primary, secondary and tertiary education, female (%)
34. Voice and Accountability
35. Political Stability and Violence
36. Government Effectiveness
37. Regulatory Burden
38. Rule of Law
39. Control of Corruption
40. New Public Services
41. Self-Determination
42. Criteria Filtering
43. Good Society

۱۱- منابع

- [1] D'Acci L.; "Measuring wellbeing and progress"; *Soc Indic Research*. Politecnico di Torino, Turin, Italy. 2010.
- [2] Duncan G.; "Should happiness-maximization be the goal of governments?"; *Journal of Happiness Studies*, 11: 2010.
- [3] مهدوی عادل‌ی. م. ح.، حسین‌زاده بحرینی م. ح.، جوادی ا.؛ «تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد بالا»؛ *مجله دانش و توسعه*، سال پانزدهم، شماره ۲۴، ۱۳۸۷.
- [4] دادگر ی.؛ *مالیه عمومی و اقتصاد دولت*؛ تهران، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد. ۱۳۸۴.
- [5] راغفر ح.، ابراهیمی آ.؛ «نابرابری درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۵»؛ *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸، ۱۳۸۷.
- [6] Glatzer W.; "Quality of life in the european union and the United States of America: Evidence from comprehensive indices"; *Applied Research in Quality of Life*. 1:2006.
- [7] Ottv J. C.; Good governance and happiness in nations: Technical quality precedes democracy and quality Beats sSize"; *J Happiness Stud* , 11, 2010.
- [8] Veenhoven R.; "Well-being in nations and well-being of nations; is there a

conflict between individual and society?"; *Social Indic Research*. 91, 2009.

[۹] شریف زاده ف. قلی‌پور ر.؛ «حکمرانی خوب و نقش دولت»؛ فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۸۲.

[۱۰] مقیمی، س. م.، اعلائی اردکانی م.؛ « دولت الکترونیک: کلید حکمرانی خوب»؛ چاپ اول، تهران: انتشارات عترة نو، ۱۳۸۸.

[۱۱] کمیجانی ا.، سلاطین پ.؛ « تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD»؛ *فصلنامه مدلسازی اقتصادی*، سال دوم، شماره دو (پیاپی ۶)، ۱۳۸۹.

[12] Bairoch P.; "Economic and world history"; Chicago, University of Chicago Press, 1993.

[۱۳] فانی ع. ا.، حسینی س. ی.، دانایی‌فرد، ح.، مشبکی ا.؛ «اندازه‌گیری ظرفیت حاکمیت: مفاهیم، مدل و روش اندازه‌گیری»؛ *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های مدیریت در ایران*، دوره ۱۵، ش ۲، تابستان ۱۳۹۰.

[14] Wallace C. , Pichler F.; More participation, Happier Society? A comparative study of civil society and the quality of life; *Soc Indic Res* .93: 2009.

[۱۵] رضایی م.؛ «تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»؛ *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۶.

[۱۶] دانایی‌فرد ح.؛ چالش‌های مدیریت دولتی در ایران؛ تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم. ۱۳۸۸.

[17] Simon R. , Bennet A.; "Happiness the world over"; *Gend Issues*. 26:2008.

[۱۸] زاهدی ش.، خانباشی م.؛ از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی (پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران)؛ *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های مدیریت در ایران - مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۵، ش ۴، زمستان ۱۳۹۰.

[19] UNSCAP; What is Good Governance? 2002.

[20] Leung A, Kier Ch., Fung T, Fung L., Sproule R.; "Searching for happiness: The

- importance of social capital"; *Journal of Happiness Studies*, DOI 10.2010.
- [21] Helliwell J., Huang H.; "How's your government? International evidence linking good government and well-being"; *British Journal of Political Science*, 38, 2008.
- [22] Ryan R. M., Sapp A. R.; Basic psychological needs: A self-determination theory perspective on the promotion of wellness across development and cultures, 2007.
- [۲۳] دلالی اصفهانی ر.، دل‌انگیزان س.؛ «تحلیلی بر جریان معکوس سرمایه بین کشورهای فقیر و غنی»؛ فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره دوم، ۱۳۸۲.
- [24] Javaid U.; "Corruption and its deep impact on good governance in Pakistan"; *Pakistan Economic and Social Review*, Vol. 48, No. 1, 2010.
- [۲۵] منوریان ع.، نرگسیان ع.، فتاحی م.، واثق ب.؛ بررسی رابطه بین پاسخگویی عمومی، مشارکت عمومی و اعتماد عمومی در سازمان‌های دولتی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران؛ فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس علوم انسانی - پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، ش ۳، پاییز ۱۳۸۹.